



تأثیر تنبیه بدنی در مدارس بر یادگیری دانش آموزان

علی شکل آبادی ، شادمهر عسگریان ، فرشاد بهارلویی یانچشمه
(۱) دانشجوی کارشناسی رشته مشاوره دانشگاه فرهنگیان sha39386@gmail.com
(۲) دانشجوی کارشناسی رشته مشاوره دانشگاه فرهنگیان shadmehrasgarian@gmail.com
(۳) استاد و مدرس دانشگاه فرهنگیان farshadbaharlouei@yahoo.com

چکیده

انجام تنبیه بدنی به منظور روی آوردن دانش آموز به درس خواندن و ایجاد نظم در محیط آموزشی راهکاری نامناسب است و می تواند حداکثر برای مدتی محدود دانش آموزان را کنترل کند؛ ریا کار شدن ، افزایش لجبازی ، ترک تحصیل ، افزایش پرخاشگری و... از رایج ترین تأثیر تنبیه برای دانش آموزان است. برای همین ، این روش به هیچ وجه توصیه نمی شود و بهتر است برای کنترل دانش آموز منشاء اصلی مشکل و ناهنجاری را شناسایی و آن را بنیادی درمان و حل کنیم.
واژگان کلیدی : تنبیه بدنی ، یادگیری ، تغییر رفتار ، کنترل پذیری



مقدمه

انسان در ادوار گوناگون زندگی، چه در دوره خردسالی و نوجوانی و چه بزرگسالی و پیری (اعم از زن و مرد) در معرض ارتکاب فساد و شر و بدی قرار داشته و همواره خطر رفتارهای ناستوده اخلاقی وی را تهدید می کند. موجودی چون انسان، که از لحاظ شرافت و کرامت در تارک همه مخلوقات و پدیده های متنوع هستی قرار دارد و موقعیت و مقامی در خور را احراز کرده، از کمال نسبی برخوردار است، لذا هرگز نمیتواند خویشتن را از صفات و افعال ناستوده تبرئه نموده و به اصطلاح تزکیه نفس نماید:

« من خویشتن را تبرئه نمی کنم زیرا نفس آدمی، انسان را سخت به کار بد و می دارد و بدان فرمان می دهد. » (سوره یوسف آیه ۵۳)

پس بشر از لحاظ پاکی و ناپاکی و ارتکاب خیر و شر، در درجات نسبی و مراحل متفاوت کمال و نقص قرار دارد.

در موضوعات مربوط به تربیت کودکان تنبیه بدنی از مباحثی است که موجب اختلاف نظر بین طرفداران و مخالفان تنبیه بدنی در امر تربیت گردیده است. عده ای از علمای تعلیم و تربیت با تکیه بر علوم روان شناسی تنبیه را روشهای خشن و نامطلوب توصیف کرده و با توجه به مشکلات و زیانهای ناشی از این روش توصیه نموده اند تا هرگز به عنوان یک شیوه آموزشی مورد استفاده قرار نگیرد زیرا:

۱- موقتی بودن اثر تنبیه در کاهش رفتار نامطلوب

۲- ایجاد انزجار و نفرت در تنبیه شونده نسبت به تنبیه کننده

۳- ایجاد روحیه پرخاشگری در تنبیه شونده

۴- کودکان را ترسو به بار می آورد و به وسیله تنبیه شخصیت کودک در هم شکسته می شود. (گنجی ۱۳۷۱)

در برابر این گروه دسته دیگری قرار دارند که تنبیه را امری واجب برای رشد و یادگیری کودک دانسته و آنرا لازم و ضروری می دانند و واقعیت این است که هر کدام از نظرات ارائه شده از سوی موافقین و مخالفین چهره ای از حقیقت را داراست و نفی و اثبات مطلق هر یک به تنهایی می تواند به انکار بدیعیات امور ملموس بیانجامد. با این همه آشنایی با تعریف و مفهوم تنبیه از دیدگاه روان شناسی و علمای تعلیم و تربیت، بهتر است گفته شود که تنبیه عبارت است از اعمال محرک آزار دهنده به دنبال یک رفتار نامطلوب برای کاهش احتمالی آن رفتار. در نظام تربیتی اسلامی اصل تنبیه به معنی سازندگی و هدایت کننده کودکان یعنی دادن آگاهیهای لازم و روشننگری و وعظ با تکیه بر فطرت است. (رضائی ۱۳۷۴)

اسکینر معتقد است که تنبیه زمانی رخ میدهد که پاسخ چیز مثبتی را از موقعیت حذف می کند یا چیزی منفی به آن میافزاید. در واقع، تنبیه دور ساختن چیزی از ارگانیسم (موجود زنده) است که خواستار آن است یا دادن چیزی است که کسی که طالب آن نیست. تنبیه به این معنا را به عنوان تنبیه به معنای عام میگوییم. (سیف، ۱۳۷۴: ۳۹۲)

(ارائه پاسخ منفی به ارگانیسم) تنبیه عبارت از: ارائه یک محرک آزار دهنده (تقویت کننده منفی) به دنبال یک رفتار نامطلوب برای کاهش دادن احتمال آن رفتار. اگر پس از انجام رفتاری نامطلوب از سوی کودک، مثلاً گفتن یک حرف زشت، با ارائه یک محرک آزار دهنده مثل سیلی زدن به او بخواهیم بروز رفتار نامطلوب را در او کاهش دهیم، او را تنبیه کرده ایم. تنبیه به این معنا را تنبیه به معنای خاص میگوییم. (سیف، ۱۳۸۷: ۵۷۵)

(تنبیه بدنی یا کتک زدن) گاهی مراد از تنبیه به همین معناست که ما آنرا تنبیه به معنای اخص میگوییم. روشن است که طبق معنای اول، تنبیه طیف وسیعی را در بر میگیرد که عبارت است از: تغافل، بی اعتنائی، تهدید، تحقیر، سرزنش، تمسخر، محروم سازی، جریمه، جبران، تغییر چهره، روی برگرداندن و تنبیه بدنی. اما بر طبق معنای دوم، تنبیه دیگر شامل تغافل،



بی‌اعتنایی، محروم‌سازی و به عبارت دیگر، حذف تقویت مثبت نمی‌شود. آنچه از میان این معنایی سه‌گانه مورد تردید و بحث واقع شده است، قسم سوم یا تنبیه به معنای اخص است. (حسینی زاده ۱۳۷۷: ۲۵)

معلم می‌کوشد تا با اتخاذ روش‌ها و تدابیر خاص معلمی رفتارهای کودکان را در جهت خاص شکل دهد. برای این منظور و یا تغییر رفتار به اتخاذ شیوه‌های متعددی نیازمند است از جمله این شیوه‌ها ارائه الگوی پند و موعظه، تشویق، تنبیه و غیره می‌باشد؛ روشهای تربیتی که به کودکان اتخاذ می‌شود از اهمیت خاصی برخوردار است.

در روانشناسی، تنبیه ابزار مناسبی برای تغییر در رفتار و یادگیری به حساب نمی‌آید. در پژوهش‌هایی که ثرندایک انجام داد به این نتیجه رسید که همان‌گونه که تقویت، رفتار مثبت را افزایش می‌دهد؛ تنبیه، رفتار منفی را کاهش نمیدهد. اسکینر هم بر این باور است که تنبیه در درازمدت بی‌تأثیر است. چنین به نظر می‌رسد که تنبیه صرفاً رفتار را واپس می‌زند و زمانی که دیگر تهدید و تنبیه وجود نداشته باشد، نرخ پاسخ به میزان اولش باز میگردد. بنابراین، گرچه تنبیه اغلب موثر به نظر می‌رسد، در واقع تنها اثری ناپایدار به جای می‌گذارد. مخالفت اسکینر با تنبیه به دلایل زیر می‌باشد:

۱. تنبیه آثار جانبی هیجانی نامطلوب به بار می‌آورد.
۲. ارگانیک‌سازی که تنبیه میشود، می‌ترسد و این ترس به محرکهای مختلفی که هنگام تنبیه او حضور دارند، تلمیم می‌یابد.
۳. تنبیه به ارگانیک‌سازی نشان میدهد که چه کار نکند، نه اینکه چه کار بکند.
۴. در قیاس با تقویت، تنبیه هیچ‌گونه اطلاعاتی در اختیار ارگانیک‌سازی نمی‌گذارد.
۵. تنبیه صدمه زدن به دیگران را توجیه میکنند. (این البته در پرورش کودکان بیشتر صادق است. وقتی کودکان تنبیه میشوند، تنها چیزی که می‌آموزند این است که در بعضی موقعیتهای صدمه زدن به دیگران جایز است. کودک با قرار گرفتن در موقعیتی که بتواند در آن رفتار قبلاً تنبیه شده خود را انجام دهد، بدون اینکه برای آن تنبیه شود، ممکن است وادار به انجام دادن آن رفتار شود. بنابراین، در غیاب عوامل تنبیه‌کننده، ممکن است کودکان فحش بدهند، با بزرگترها بی‌ادبانه رفتار کنند، به بچه‌های کوچکتر آزار برسانند و... این کودکان آموخته‌اند که در حضور عوامل تنبیه‌کننده، این رفتارها را واپس بزنند، اما دلیلی نمی‌بینند که در غیاب عوامل تنبیه‌کننده این رفتارها را انجام ندهند.)

روشهای نادرست تربیتی از قبیل: توهین، سرزنش، عدم ارائه محبت و تنبیه بدنی موجب عدم ارضای نیازهای اساسی کودک از قبیل احساس امنیت، احساس ارزشمندی بودن، احساس اعتماد به نفس و احساس استقلال خواهد شد.

در مقابل عدم ارضای این‌گونه نیازهای اساسی موجب عدم تعادل در وجود او شده و رشد همه‌جانبه به خصوص رشد روانی و معنوی او را مختل می‌کند و از او انسانی با رفتارهای نامتعادل و ناهنجار می‌سازد. که هم در زندگی فردی مشکلات فراوان دارد و هم در زندگی اجتماعی ناموفق است چنین افرادی در جامعه دست به انواع بزهکاری‌ها می‌زنند؛ و علاوه بر ایجاد هزینه‌های مختلف که صرف رسیدگی به امور آنان می‌شود، امنیت و آرامش و آسایش را از جامعه سلب می‌کنند و به لحاظ چنین مضراتی که مدل اتخاذ شیوه‌های نادرست است رفتار تنبیه شده پس از مدتی همچنان در فرد باقی می‌ماند که عامل تنبیه‌کننده حاضر و ناظر است. در حال رکود باقی می‌ماند ولی به مجرد اینکه عامل تنبیه تضعیف شده و یا از میان رفت آن رفتار مجدداً ظاهر میگردد. (سیف، ۱۳۷۱)

از عوارض جانبی نامطلوب تنبیه این است که احساس ناخوشایند حاصل از تنبیه در لحظه تنبیه شدن از طریق شرطی شدن کلاسیک با شرایط تنبیهی و شخصی یا اشخاص تنبیه‌کننده تداعی می‌شود و سبب انزجار تنبیه‌شونده از معلم یا تنبیه‌کننده می‌گردد.

مشکل دیگر استفاده از روش تنبیه آن است که تنبیه کردن امری مسری است. روانشناسی تربیتی با شواهدی نشان می‌دهند کسانی که شاهد تنبیه شدن افراد توسط دیگران بوده‌اند در مواقع دیگر خود به تنبیه کسانی دیگری اقدام کرده‌اند. و دانش آموزان تنبیه شده بعداً تنبیه‌کننده از آب در آمده‌اند. بنابراین معلمی که در حضور جمع، دانش آموزان را تنبیه می‌کند به آنها آموزش پرخاشگری می‌دهد.



بارها مشاهده شده است که کودکانی که مرتباً از پدر و مادر و آموزگار خود کتک میخورند در غیاب آنها به کتک زدن فرزندان کوچکتر می پردازند. در آزمایش بر روی حیوانات، نشان داده شده است که بر اثر ضربه الکتریکی بر حیوانات آنها را به جان همدیگر می اندازد و به هم رفتار خصمانه انجام می دهند.

از نظر اسکینر راه هایی وجود دارد که مدام برای احتراز از تنبیه به آن متوسل می شوند. شخص ممکن است به عوض انجام رفتار که تنبیه به دنبال دارد به طریق دیگری به آن رفتار می پردازد که تنبیه به دنبال نداشته باشد، مانند خیال پردازی. همچنین شخص ممکن است با متوجه ساختن رفتار قابل تنبیه که به چیزهایی که نمی تواند تنبیه کننده باشند آن رفتار را جابجا سازد. مثلاً می تواند نسبت به اشیاء فیزیکی، کودکان یا جانوران کوچک پرخاشگری کند. و یا شخص ممکن است کسانی دیگری را که رفتار قابل تنبیه انجام می دهند ولی تنبیه نمی شوند مشاهده کند و به این طریق خود را با آنها همانند می سازد. همچنین شخص ممکن است رفتار دیگران را قابل تنبیه بداند و از این راه تمایلات خود را فرافکنی کند. علاوه بر اینها شخص که به خاطر انجام رفتار تنبیه شده ممکن است با آوردن دلیل برای خود با دیگران به منظور غیر قابل تنبیه جلوه دادن رفتار خود دلیل تراشی کند. مثل موقعی که می گوید کودک را به خاطر اصلاح او تنبیه می کنند.

یکی دیگر از عوارض جانبی نامطلوب تنبیه و سایر روشهای تنبیهی تغییر رفتار این است که اگر این روشها ادامه یابد شخص تنبیه شده ممکن است به فرد تنبیه کننده حمله ور شود. علی رغم عوارض جانبی این شیوه باید اعتراف کرد که معلمینی که دست به عمل تنبیه می زنند دو دسته اند:

۱. آنهایی که به عوارض آن واقف اند.
۲. و دسته دیگری که به مفید بودن آن معتقدند حتی در بسیاری از اوقات از اعتقاد خود دفاع می نمایند و این شعار را همیشه مدنظر قرار می دهند که « جور استاد به از مهر پدر می باشد » (مجوزی، ۱۳۷۲)

عواقب تنبیه بدنی

۱. کودک عادت می کند در برابر زور و قلدری بدون چون و چرا تسلیم شود و با این منطبق خو بگیرد که زور قلدری پیروز است. (هر وقت عصبانی شدی بزنی، و باکی نداشته باش.)
۲. تنبیه بدنی احیاناً ممکن است در کودک عقده ای نسبت به اولیاء و مربیان ایجاد کند و حالت طغیان و سرکشی را در برابر اولیاء در او برانگیزد.
۳. کودک را ترسو می کند. به وسیله کتک، شخصیت کودک درهم شکسته می شود و تعادل روحی او بر هم می خورد و احتمالاً به بیماری روانی مبتلا می گردد.
۴. بچه ها را دروغگو بار می آورد.
۵. بچه ها را به حيله گری و ریاکاری سوق می دهد.
۶. برای بچه ها رنج و تحقیر به بار می آورد.
۷. در کودک افسردگی و بیماریهای عصبی ایجاد می کند.
۸. کودک را به سمت خود آزاری می کشاند.
۹. کودک را به سوی دیگر آزاری می کشاند.
۱۰. کودک را به لجبازی وا می دارد.
۱۱. کودک را گوشه گیر می کند.
۱۲. کودک را کند ذهن می کند.
۱۳. کودک را بی اراده و نسبت به دیگران بی تفاوت می کند.
۱۴. اطمینان و اعتماد به نفس را در بچه ها از بین می برد.
۱۵. حس کنجکاو و ابتکار عمل را در بچه ها می کشد.
۱۶. کودک را کینه توز می کند.



۱۷. احترام و اعتماد کودک را نسبت به بزرگترها سلب می کند.
۱۸. کودک را دچار یأس و حرمان می کند.
۱۹. کودک را عاصی بار می آورد.
۲۰. اضطراب دائم را در کودک دامن می زند.
۲۱. در کودک سرپیچی و بی اعتنایی را همراه می آورد.
۲۲. بچه ها را اندوهگین و محزون می کند.
۲۳. شادی ها را در کودک سرکوب می کند.
۲۴. شهامت و غرور بچه ها را از بین می برد.
۲۵. نهایتاً به سلامت روحی و جسمی طفل ضربه می زند. (مجوی، ۱۳۷۲)

ضرورت و اهمیت تحقیق

در فرهنگ ما، معلم دارای قداست خاصی است؛ حفظ حرمت این ارزش در اصل حفظ ارزشهایی همانند معنویت رابطه معلمی و شاگردی خواهد بود. به کارگیری تنبیه بدنی در امر تعلیم و تربیت یکی از عواملی است که می تواند بر تیرگی روابط معلم و متعلم بیانجامد و به جای اینکه شاگرد بر معلم عشق بورزد و او را برتر از هر کس تصور کند کینه او را در دل جای می دهد. از سوی دیگر با توجه به نظر علما و دانشمندان تعلیم و تربیت تحقیقاتی را که انجام داده اند بین تنبیه بدنی و پرخاشگری، افسردگی و افت تحصیلی رابطه مستقیم وجود دارد. بدیهی است که در صورت حذف این عامل از پیکره تعلیم و تربیت ناهنجاری ها و مشکلات فوق نیز رو به کاهش خواهد گذاشت.

در خصوص افت تحصیلی که یکی از مشکلات حاد نظام آموزش و پرورش رسمی در ایران است. در صورتی که تنبیه بدنی را به عنوان عاملی در ایجاد یا افزایش افت تحصیلی بدانیم در صورت خودداری و پرهیز معلمان از این روش خوشایند از هدر رفتن و ضایع شدن بخش عظیمی از هزینه ها و آموزش تکراری و هدر رفتن نیروی کار اضافه جلوگیری می شود. صحبت با ترک تحصیل کنندگان می تواند وسیله ای مناسب برای روشن شدن بخش عظیمی از علت های ترک تحصیل یا افت تحصیل باشد. عده ای زیادی از آنان عدم رغبت یا ترک تحصیل خود را ناشی از توهین و تحقیر یا کتک کاری از طرف معلمان زمان تحصیل خود می دانند. با توجه به جنبه های آموزشی عمل تنبیه این نگرش و نگران کننده وجود دارد که این شیوه غلط و نادرست به نسلهای دیگر منتقل شود. برای جلوگیری از این امر باید در مقطعی از زمان از آن جلوگیری کرد تا این عادت ناپسند حذف گردد. همچنین با توجه به نتایج تحقیقات و مطالعات انجام شده در خصوص عوارض و صدمات جبران ناپذیر تنبیه بدنی و مشاهده رواج نسبی این عمل در مدارس و نگرانی از اینکه تداوم این روش از طرف برخی از معلمان موجب نفرت دانش آموزان از معلم تنبیه کننده خواهد بود. در نتیجه روابط لطیف و معنوی معلم و شاگرد به کینه و کدورت تبدیل می شود.

اهداف تحقیق

۱. مقایسه سبک جدید آموزش و پرورش و عدم استفاده از تنبیه بدنی در یادگیری و مشارکت دانش آموزان.
۲. آیا عدم استفاده از تنبیه بدنی در مدارس به عزت نفس و خود شکوفایی دانش آموزان کمک میکند؟
۳. آیا عدم استفاده از تنبیه و ارج نهادن به دانش آموزان کمکی به کشف استعداد دانش آموزان میکند؟
۴. معلمان باسابقه که از کدام سبک (تنبیه بدنی یا عدم استفاده از تنبیه) رضایت بیشتری دارند.
۵. آیا عدم استفاده از تنبیه بدنی کمکی به رشد و ارتقاء آموزش و پرورش ایران کرده است؟

نظر قرآن و اسلام در مورد تنبیه :

« و جزاؤ سیئة مثلها ، فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ وَ لا يُحْسِبُ الظالمين »
« پاسخ و مجازات بدی ، بدی مانند آن است. پس آنکه عفو کند و اصلاح نماید اجر و مزد او با خداست که او ستمکاران را دوست ندارد.
«سوره شورا آیه ۴۰»



یعنی عدالت در تعالیم اسلامی اقتضاء می کند که باید تعدی و تجاوز را رفع کرد و جرمها را با مجازات متناسب پاسخ داد و عفو و گذشت حالت بالاتر از عدالت است .

از دیدگاه اسلام معمولاً تشویق مقدم بر تنبیه است و تنبیه با رعایت موازین اسلامی کار بسیار دشواری است . و هر کس از عهده آن بر نمی آید. در اسلام معمولاً از تنبیه تنها در آن هنگام که دیگر شیوه های سازنده و هدایت کننده موثر واقع نشود و در حد ضرورت و همانند دارویی به همان میزان می توان بهره گرفت . (رضایی ، ۱۳۷۴)

رسول اکرم (ص) می فرماید: « کودکان را دوست بدارید و با آنها رحیم و مهربان باشید » در جای دیگر می فرماید :
« نسبت به کسی که به او تعلیم می دهید و نسبت به کسی که از او علم و ادب می آموزید. نرم ، ملایم و مهربان باشید. » (حجتی ، ۱۳۷۳) و همچنین از آن حضرت نقل شده است : « در تعلیم تربیت مدارا کنید و سخت گیری ننمایید زیرا معلم دانشمند بهتر از معلم سخت گیر می باشد. »

از حضرت علی (ع) نقل شده است که فرموده اند : « پند پذیری انسان بوسیله ادب و تربیت است چهار پایان و حیوانات هستند که تنها با زدن تربیت می شوند. » (شکوهی یکتایی ، ۱۳۷۲)

نظر علمای تعلیم و تربیت :

گروهی از روان شناسان تربیتی که در رأس آنها ژان ژاک روسو قرار دارد. معتقد است که انسان هرگز در تربیت خردسالان نیازی به مجازات و تنبیه ندارد زیرا برای هر عملی ، مجازات و تنبیه طبیعی وجود دارد. کودکی که سیب فاسد می خورد ، دچار دل درد می گردد. طفلی که به آتش نزدیک می شود از آن آسیب می بیند و کودکی که با چاقو بازی

می کند زخم و جراحت ، او را تنبیه و مجازات می نماید و بالاخره برای هر عمل و رفتار غیر معمولی ، تنبیه و مجازات طبیعی وجود دارد که متناسب با آن می باشد . لذا این گروه از دانشمندان تعلیم و تربیت کودک را طبیعت وا می گذارند و معتقدند که طبیعت عهده دار مجازات اعمال نامطلوب کودک می باشد . انسان هر چند نیز خردسال باشد طبعاً به لذت و تمنع از آسایش و رفاه متمایل ، و از عواملی که موجب رنج و الم او را فراهم می آورد. قهر و گریزان است.

هربرت اسپنسر به مریبان سفارش می کند که : بهترین وسیله وصول به هدف این است که هر کس ثمره رفتار و عکس العمل کارهای خود را شخصاً ببیند و می گویند برای تعلیم و اخلاق توسل به وسایل تلقینی کاری عبث و بیهوده است وی در این مورد مثالی می آورد. « وقتی که کودکی به زمین می خورد و پای او مجروح می شود و یا به علت برخورد با میز سرش بدرد می آید . جراحت و درد عکس العمل طبیعی و انعکاس قهری عمل اوست او را وا می دارد که در راه رفتن مواظب خود باشد و با احتیاط گام بردارد. (شکوهی ، ۱۳۷۲)

گروهی دیگر از روان شناسان معتقدند ، تنبیه خشن ترین و نامطلوب ترین روشهای تغییر رفتار است تنبیه بعنوان ارائه محرک آزارنده بعد از یک رفتار نامطلوب به منظور کاهش دادن آن رفتار نامطلوب می باشد.

روشهای نادرست تربیتی از قبیل : توهین ، سرزنش ، عدم ارائه محبت ، تنبیه بدنی موجب عدم ارضاء نیازهای اساسی روانی کودک از قبیل احساس امنیت ، احساس تعلق ، احساس ارزشمندی بودن شخصیت ، احساس اعتماد به نفس و احساس استقلال خواهد شد. (سیف ، ۱۳۷۱)

مبانی نظری مخالفین تنبیه بدنی :

۱. اصل « درد ، شر است . » جرمی بنتام فیلسوف سود انگار انگلیسی می گوید : « درد ، شر است ، و اعمال تنبیه نیز ، ضرورتاً شرارت است. چرا که پی آمد تنبیه بدنی چیزی جز درد نمی باشد. »

۲. تنبیه بدنی و پی آمدهای افراطی آن : آنان که با هر صورت از مجازات بدنی مخالفند معمولاً به افراطهای گذشته استناد می کنند و خشونت های اسپارتی و قرون وسطایی را به خاطر می آورند برخی از غربیان از شخصی چون دکتر کیت^۵ یاد می کنند که در اوایل قرن نوزدهم در مدرسه آتن در یک روز تابستانی هشت شاگرد را به شلاق بسته و شب هنگام از آن تأسف می خورد که چرا عده ای بیشتری شلاق نزده است. مریبان غربی صحنه هایی از بی رحمی ها و رفتارهای وحشیانه آموزگاران زمان خود را در آثار خود نقل کرده اند بعنوان مثال : « شرح حال کودکی که با شلاق تنبیه می شده در تمام



عمر فلج مانده است ، یا کودکی را که پاهایش را در غل نهاده و بوسیله اسب کشیده اند تا به این ترتیب شکنجه شود و امثال اینها. »

دانشمندان اسلامی با وجود آگاهی از این افراط ها ، صلاح را بر حذف تنبیه بدنی ندانسته اند و آن را تجویز نموده اند و لکن با تجدید شرایط آن سعی بر باز داشتن مریبان از افراط در تنبیه بدنی داشته اند. نمونه :

- غزالی در رهنمودهایش به مریبان ، آنان را حتی المقدور از اجرای تنبیه بدنی ، به هر شکلش باز داشته می گوید: « بر معلم کودکان است که به بیم و ترغیب تأدیب کند نه به ضرب و تعذیب . » (رضائی ، ۱۳۷۴)
- محمد بن ابو زید می گوید : « سزاوار نیست که مربی و تأدیب کننده کودکان اگر نیازمند به زدن (تنبیه بدنی) کودکان شود ، بیش از سه تازیانه در تأدیب آن بکار برد. »
- ابن سینا می گوید : « باید زدن بچه ها در بار نخستین کم ، ولی دردناک باشد چنانکه حکما گفته اند این تأدیب را پس از ترسانیدن سخت و آماده کردن شفیعان انجام دهد. زیرا اگر کتک اول دردناک باشد بعد از آن بچه از کتک می ترسد. و اگر نخستین خفیف بوده ، دردناک نباشد ، بچه دیگر از کتک نمی ترسد و به آن اعتنا نمی نماید. » (مجوزی ، ۱۳۷۲)
- عنصر المعالی معتقد بود که : « معلم باید با اهمیت باشد و شاگرد را در صورت کاهلی بزند تا وی بر خود مسلط گردد و چنانچه معلم طفل را بزند پدر نباید شفقت نماید. »
- شهید ثانی در مورد تنبیه می گوید : « اگر معلمی در شاگرد انحرافات از قبیل : سوء خلق ، بی اعتنائی به درس و ... مشاهده کرد نباید با صراحت اعمال ناخوشایند را به رخ او بکشد بلکه از راه کنایه و ارشاد او را آگاه نماید زیرا چنین عنصری به شاگردان دیگر ضرر می رساند . (حجتی ، ۱۳۷۳)
- ماکارنکو با تنبیه ، چه بدنی و چه روحی مخالف است اما گاهی به اجرای تنبیه بدنی اعتراف می کند به طور کلی اجرای تنبیه را برای حفظ نظم لازم می شمرد (ص ۲۵۷ ، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت ، دکتر علی شریعتمداری)
- مطالعات نشان داد که تنبیه در واقع رفتار بد را تقویت می کند همچنین اولری و بکر در سال ۱۹۶۹ در مورد تأثیر تنبیه تحقیقاتی نمودند و مشاهده کردند که توبیخ و تنبیه ملائم موثر تر از توبیخ و تنبیه شدید است (بدری مقدم ، ۷۴)
- پژوهشی با عنوان تأثیر تشویق و تنبیه در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در سال ۱۳۷۰ انجام شده است انگیزه اصلی پژوهش در باره این موضوع مطرح بودن در حوزه تعلیم و تربیت ، کاربرد نادرست تشویق و تنبیه در جامعه و خانواده و درگیری معلمان با این مسئله است . فرضیه تحقیق بطور خلاصه این بوده است که میزان یادگیری دانش آموزانی که مورد تشویق قرار گرفته اند بیش از دانش آموزانی است که مورد تنبیه قرار گرفته اند. (نعمت اله ، ۱۳۷۵)
- در تحقیقی که در سال ۱۳۶۵ در مورد خصوصیات دانش آموزان انزوا طلب مدارس راهنمایی در سطح تهران بعمل آمده خصوصیات دانش آموزان انزوا طلب و عوامل بوجود آورنده آن مشخص گردیده است. (دانش آموزان انزوا طلب دارای خصوصیات زود رنجی ، عدم احساس امنیت ، خجالتی بودن دائمی ، احساس ناراحتی و اضطراب در کلاس ، تعامل اجتماعی محدود با دیگران (خصوصاً معلمان) و ... می باشند و عوامل مستعد کننده انزوا طلبی در دانش آموزان یاد شده ، عوامل تحصیلی مانند عدم همخوانی سنی ، تغییر محل سکونت ، عدم احساس امنیت و آرامش خاطر در کلاس و عوامل خانوادگی مانند فقدان پدر ، خصوصیات پرخاشگرانه در پدران ، استفاده از روش تنبیه و تشویق به یک اندازه در محیط خانه و استفاده از شیوه کتک زدن در تنبیهات و ...) (مرادی ، ۱۳۷۵)

پس از بررسی ازمایشات و دیدگاه های بزرگان علم و روانشناسی مانند ابوعلی سینا و اسکینر و... به بررسی نظریات دبیرانی دبیرانیم که سابقه تدریس آنها در آموزش و پرورش بالای بیست و پنج سال بوده است زیرا آنها هم سابقه تنبیه بدنی کردن دانش آموزان را داشته وهم در دوران اخیر خدمت کرده که تنبیه بدنی دیگر در مدارس مورد استفاده قرار نمی گرفته است؛ نکته جالبی که تقریباً همه این دبیران به آن اشاره کرده اند این است که در دهه های گذشته به دلیل پر جمعیت بودن مدارس وهمچنین خانواده ها هیچ کدام به



اندازه کافی وقت برای دانش آموزی نداشته اند و هم در خانواده و هم در مدرسه روش تنبیه را روش مناسبی برای آرام کردن و کنترل دانش آموزان خود متصور می شدند؛ (مخاطب ما از این دانش آموزان اغلب دانش آموزان دهه شصتی هستند که نسبت به دهه های قبل وبعد خود شمار قابل توجهی را شامل میشده اند.) دبیرانی که از آنها مصاحبه گرفته شد هم سابقه تدریس در کلاس و هم سابقه مدیریت و شرکت در کادر مدرسه را داشته اند؛ آنها بیشتر دلایل تنبیه خود را امور انضباطی دانسته ولی می گویند برای مشکلات تحصیلی نیز گاهی مجبور به تنبیه بدنی شده اند.

مهمترین بخش قابل توجه در مصاحبه ها این بود که دبیران تقریباً همه معتقد بودند که تنبیه بدنی اول از همه منجر به خراب شدن روحیه و نشاط معلم میشده است و گاهی اثر این تنبیه بر روحیه خود معلم تا روز ها باقی می ماند است و حتی بعضی از دبیران بیان کردند که پس از اتمام سال های تحصیلی هنوز فشار روانی آن تنبیه ها که آیا درست بوده یا نه؟ آیا دانش آموزان آن دوران مرا حلال خواهند کرد و مرا می بخشند یا نه؟ مدت ها ذهن ایشان را درگیر کرده است و حتی چند معلم گفتند که به سراغ بعضی از آن دانش آموزان رفته و مشخصاً از آنها دلجویی کرده اند.

نکته مهم دیگر اینکه این تنبیه ها در مواردی منجر به دلزدگی دانش آموزان از مدرسه و ترک تحصیل آنها در مقاطع متوسطه اول و دوم شده است و در موارد بسیاری بر عزت نفس و شخصیت اجتماعی دانش آموزان تاثیر منفی گذاشته و آنها را در مراحل بعدی زندگی خود با مشکلاتی مواجه کرده است.

دبیران بیان می کنند که این تنبیه ها بیشتر اثرات مقطعی و دوره ای داشته و یا به نوعی دانش آموزان را ریاکار بار میاورده است؛ زیرا بیشتر دانش آموزان در مدرسه و محیط آموزشی موارد انضباطی را رعایت میکرده اند و در خارج از این محیط به رفتار خود ادامه میداده اند ولی در مواردی محدود هم بوده است که دانش آموز دست از کار خود کشیده و دیگر آن رفتار را ادامه نداده اند؛ در امور درسی شرایط شاید کمی به نظر متفاوت تر است؛ زیرا دانش آموزان از ترس تنبیه اقدام به درس خواندن کرده اند و اثر ترس از تنبیه به خاطر عدم درس خواندن بیشتر بوده است.

سوال دیگر این است که آیا در دوران تنبیه بدنی روش هایی مثل تشویق و پاداش به اندازه کافی وجود داشته یا نه؟ که در جواب آن دبیران می گویند که در هر سال تحصیلی در حد توان امکانات تشویقی وجود داشته است ولی بیشتر دبیران می گویند این تشویق و پاداش ها نسبت به تعداد دانش آموزان کم بوده است و تشویق و جایزه به ندرت انجام می شده است حتی دبیری اظهار داشت که اگر اختیارات تامی که در مدرسه داشتم ماهیانه بچه های زنگ و درس خوان را به اردو میبردیم؛ بنابراین این نتیجه گرفته می شود که شرایط تشویق به اندازه کافی وجود نداشته است که بتواند دانش آموزان را ترغیب کرد.

از سویی میتوان مشکلات اخلاقی و انضباطی دانش آموزان رانشی از دو علت بیرونی و درونی دانست عوامل درونی که مربوط به مشکلاتی از قبیل بلوغ جنسی، مشکلات خانوادگی، اعتیاد، فقر مالی، فقدان پدر و مادر و... دانست و عوامل بیرونی را میتوان مشکلاتی از قبیل حجم بالای دروس، متنوع بودن آنها و آگاه بودن دانش آموزان نسبت به اهمیت دروس و... دانست که اثرات آن به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر عملکرد دانش آموزان در مدرسه تاثیر گذار است.

دبیران در دوره سیاست جدید آموزش و پرورش بیشتر سعی کرده اند که مشکلات دانش آموزان خود را با خانواده های آنها در میان بگذارند و یا با صحبت کردن، کم محلی در کلاس و یا حتی اخراج از کلاس درس سعی در اصلاح رفتار آنها داشته باشند ولی اکثر دبیران از این شرایط نیز راضی نیستند و حدود ۳۰ درصد آنها هنوز هم تنبیه بدنی را در مواردی کارآمد می دانند و این روش های جدید را به قدر کافی بازدارنده نمی دانند.

یکی از نکات جالب در این مصاحبه ها برایم این بود که همه معلم ها معتقد بودند که اگر میخواهیم مشکلات دانش آموزان را در مدرسه حل کنیم باید علل ایجاد آن رفتار را در محیط خارج از مدرسه و خانه پیدا کنیم و سعی در اصلاح علل آن داشته باشیم؛ ولی این کار مستلزم دو چیز است؛ یک اینکه کادر مدرسه و اولیاء به اندازه کافی وقت برای رسیدگی به این امور داشته باشند و یا اینکه مشاوران خبره در کنار کادر مدرسه و اولیاء قرار بگیرند؛ که به نظر روش دوم کارساز تر است؛ زیرا این امور در حیطه تخصص مشاور است و اینکه آنان با توجه به حجم بالای کاری، معمولاً وقت اضافی برای رسیدگی به امور شخصی دانش آموزان را ندارند. اگر دانش آموز، مشاور مدرسه را به عنوان امین خود در یابد و مشکلاتش را با او در میان بگذارد، اگر مشکلات مربوط به دوران بلوغ و... باشد، مشاور



میتواند با دادن راه حل و عادی جلوه دادن این مسله به دانش آموز در حل آن کمک کند و یا اگر مشکلات ناشی از فضای خانوادگی و اجتماعی و... باشد مشاور میتواند با دعوت از والدین برای کنترل و یا حل این مشکلات اقدام نماید و یا حتی در صورت نیاز و صلاح دید دانش آموز را به روانشناس و یا پزشک متخصص راهنمایی کند.

نکته دیگری که به نظر در این مسیر کمک بسیاری می تواند به کادر مدرسه نماید افزایش ساعات کلاس ورزش و یا افزایش امکانات ورزشی مدرسه است؛ زیرا بچه ها مخصوصا در دوره متوسطه دارای جنب و جوش و تحرکات زیادی بوده و نشستن بر روی نیمکت کلاس روزانه به مدت شش ساعت و یا بیشتر کمی برای آنها آزار دهنده می باشد؛ زیرا توان تخلیه انرژی خود را ندارند و همین موضوع شاید منجر شود که از طریق صحبت کردن و جنب جوش در کلاس نظم آن را بهم بزنند. ولی امکانات ورزشی در زنگ های تفریح یا افزایش ساعات کلاس ورزش می تواند کمک زیادی به تخلیه انرژی دانش آموزان داشته باشد و به آنها کمک کند در ساعات کلاس های دیگر آرامش بهتری برای نشستن بر روی نیمکت و گوش دادن به صحبت های دبیران خود داشته باشند.

از نظر حدود هفتاد درصد این معلمان ، سبک قبلی آموزش و پرورش که در آن تنبیه انجام می شد با توجه به دلایل ذکر شده ناکارآمد بود؛ ولی سبک جدید آموزش و پرورش که الان در حال اجرای آن هستیم ، نیز کارایی لازم را ندارد؛ زیرا در مواردی گستاخی و بی احترامی های دانش آموز بیش از حد می شود و حتی در برخی موارد والدین در مورد مشکلات مختلف با دانش آموز خود همراه شده و همه مشکلات را برسر دبیر می اندازند.

نکته مهم دیگر که هم مستلزم توجه نظام آموزش و پرورش و هم مستلزم توجه دبیران محترم است این است که ما نباید از استعداد و علائق متفاوت دانش آموزان غافل شویم. به هر حال نمیتوان همه دانش آموزان را به سمت یک رشته یا حرفه سوق داد و اینکه گاهی مشاهده می شود دانش آموزی مخصوصا در دوره متوسطه اول در کلاسی مثل ریاضی ، علوم و یا کار و فناوری همکاری لازم با کلاس را ندارد؛ پس باید آنها را بیشتر درک کرد و نباید با تنبیه و یا اخراج از کلاس حس بی ارزشی و بی استعداد بودن را به آنها تزریق کرد.

زمانی که از دبیران در مورد حجم کتب و متنوع بودن آنها سوال پرسیده شد، دبیران بیان کردند که تا مقطع متوسطه اول اکثر دروس به صورت مقدمه و مطالب ابتدایی آن رشته است و هنوز به صورت تخصصی وارد مطالب آن رشته نشده است ولی تقریبا همه دبیران بر این نکته که این مطالب حجم بالایی را دارد هم نظر بوده اند و می گویند حجم بالای دروس فارغ از سختی یا آسانی آنها این فرصت را از دبیر می گیرد که به کارهایی از قبیل حل مسایل ، پاسخ به سوالات دانش آموزان ، رفع مشکل و یا ابهام را برای آنان انجام دهد و همین شاید در مشکلات بعدی کلاس مثل خسته شدن از تدریس های متوالی و بی میلی به کلاس را به ارمغان بیاورد و آنها را منفعل کند.

نتیجه

به نظر میرسد که ما اگر میخواهیم در مدارس هایمان بدون استفاده از روش های نادرست و مردود مانند تنبیه بدنی ، اخراج از مدرسه ، توهین و... دانش آموزان را هدایت و کنترل کنیم باید اقدامات زیر ساختی هم در فضای مدرسه و هم در کتب درسی خود ایجاد نماییم که با توجه به نظر صاحب نظران و دبیران با تجربه به برخی از آنها در ذیل مطلب اشاره می کنیم:

- افزایش امکانات ورزشی مدرسه همراه با رعایت نکات ایمنی برای استفاده دانش آموزان و در صورت امکان افزایش زنگ های تفریح و یا زنگ های ورزش (زیرا دانش آموزان غالبا در اوج دوران جنب و جوش و انرژی خود قرار دارند و این تحرک بدنی به تخلیه انرژی و هیجانات آنان کمک بهتری می تواند بکند).
- قرار گرفتن مشاوران خبیره در کنار کادر مدرسه برای هدایت دانش آموزان به سمت انتخاب رشته درست و توجیه شدن برای عدم توسعه رفتارهای ضعیف و آزارنده ، رسیدگی به مشکلات خارج از مدرسه دانش آموز مثل طلاق ، اعتیاد و... و کمک به دانش آموز برای حل آنها.

ششمین کنفرانس ملی علوم انسانی و آموزش و پرورش با محوریت توسعه پایدار

6th National Conference on
Humanities and Education With a focus on sustainable development
www.mpconf.ir



- همراه کردن دانش آموزان در مدیریت کلاس و مدرسه؛ مانند دادن پست هایی مثل همیار معلمی و... که تاثیر مثبتی در روحیه دانش آموزان دارد؛ البته به شرطی که عدالت در این پست دهی ها به درستی رعایت شود.

با تشکر از آقایان عباس منصوری ، مهدی کرمانی ، مرتضی علیخاسی ، مسلم طالبی ، محسن حاج اکبری ، فرهاد صادقی ، حسن و امیر منصوری و همه عزیزانی که ما را در تهیه و نگارش این مقاله همراهی کردند.

فهرست منابع و ماخذ

۱. استغن ، گابر _ چگونه با کودک رفتار کنیم _ چاپ سوم _ انتشارات مروارید _ ۱۳۷۹
۲. تمنایی فرد ، محمدرضا_ سلامی محمدآبادی ، فاطمه _ دشتبان زاده ، سمیه _ پیامدهای تنبیه بدنی کودکان توسط والدین در محیط خانه و خانواده _ جلد ۶ ، شماره ۲ _ دوفصل نامه بین المللی حقوق بشر - شماره پیاپی ۱۲ _ (پاییز و زمستان) ۱۳۹۰
۳. خورشیدی ، عباس و همکارانش _ راهبردهای مدیریت در آموزشگاه _ انتشارات سروش _ ۱۳۷۹
۴. سیف ، علی اکبر _ روان شناسی پرورشی (تربیتی) _ انتشارات آگاه _ ۱۳۷۱
۵. شریعتمداری ، علی _ اصول و فلسفه تعلیم و تربیت _ انتشارات امیر کبیر _ ۱۳۷۵
۶. شکوهی یکتائی ، محسن _ روشهای تعلیم و تربیت اسلامی _ نشر ایران _ ۱۳۷۲
۷. شیرازی ، گیتا _ ماهنامه تربیت _ شماره خرداد _ سال شانزدهم _ ۱۳۸۰
۸. کرم نوری ، رضا - مرادی ، علیرضا _ روان شناسی تربیتی _ نشر افست _ ۱۳۷۰
۹. گنجی ، حمزه _ روان شناسی عمومی _ انتشارات بعثت _ ۱۳۷۱
۱۰. مقدم ، بدری _ کاربرد روان شناسی در آموزشگاه _ چاپ ششم _ نشر پرورش _ ۱۳۷۹
۱۱. مجوزی ، عبدالله _ چرا تنبیه _ چاپ دانا _ ۱۳۷۲
۱۲. وکیلان ، منوچهر _ تاریخ آموزش و پرورش اسلامی ایران _ چاپ هفتم _ انتشارات پیام نور _ ۱۳۷۸